**بسم الله الرحمن الرحیم**

**چرا ایالت سینکیانگ برای چین مهم است؟**

**(ترجمه)**

ظلم و استبداد شدید کشور چین بالای مسلمانان در سراسر جهان بی‌مانند است. سال گذشته، مملو از گزارشات و ویدیوهایی است که از توقیف شدن مسلمانان اویغور از سراسر چین غربی در کمپ‌ها خبر می‌دهد. با موجودیت فشار بالای رسانه‌های غربی، که اهداف شخصی خود را تعقیب می‌کنند، حالا رژیم چین به این حقیقت تلخ اعتراف کرده است که جزیره‌ای از کمپ‌های متمرکز ساخته شده است. پایگاه خبری دولتی "شین‌هوآ" روز شنبه به تاریخ 13 اکتوبر سال 2018م اعلامیۀ رسمی را نقل نمود که مطابق آن، رسوم دینی باید مطابق به رسوم کشور چین ادا گردد. با وجود بالا بودن سطح اقتصاد چین، این کشور برای تسخیر این منطقۀ رام ناشده مبارزه می‌نماید. این منطقه نه تنها اهمیت استراتیژیک داشته، بلکه دلیل موجودیت چین را نیز شکل می‌دهد.

منطقۀ گمنام "اویغور سینکیانگ" در قسمت شمال غربی کشور چین با وسعت بیش از 1.6 میلیون کیلومتر مربع موقعیت دارد. این منطقه یک ششم حصۀ خاک کشور چین را تشکیل داده و با هشت کشور دیگر هم سرحد می‌باشد. امروزه شهر سینکیانگ سرزمین تقریباً 21 میلیونی است که از 13 قبیلۀ مختلف در این خاک مستقر شده اند و بیشترین آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. از لحاظ تاریخی این منطقه با قرار گرفتن من‌حیث بخش مهم راه ابریشم، معبر اصلی اقتصادی و تبدیل فرهنگ‌ها میان شرق و غرب بوده است. با قیام کشورهای استعماری اروپایی در سال‌های 1800م، امپراتوری‌های روس و انگلیس خواستند تا در آسیای میانه استعمار خویش را وسعت دهند. روس استعمارگر نفوذش را تا مرزهای شمالی چین در جریان قرن 19م افزایش داد و در نتیجه خاندان شاهی این منطقه را تحت تسلط خود در آورد و سینکیانگ را در سال 1884م ولایت رسمی چین اعلان نمود. اما دولت به مقاومت شدید مسلمانان رو برو شد و در نیمۀ دوم قرن 19م هنگامی‌که خاندان شاهی درگیر جنگ تریاک گردید، به علت شورش‌های بی‌شمار و مداخلات خارجی‌ها نتوانست که ارتش قوی را در شهر سینکیانگ مستقر نماید.

بعد از فرو پاشی خاندان شاهی در سال 1911م چین قادر به کنترول سینکیانگ گردید. "مائوتسه تونگ" در سال 1949م اقدام به از بین بردن استقلال آن سرزمین نمود و خواست تا این منطقه را با چین یکجا نماید. به همین مناسبت، "مو" کوشش نمود تا با زور این منطقه را از وجود مسلمانان پاک‌کاری نموده و در عوض، مردمان چینی مسکن‌گزین شوند. این شیوۀ جبریه تاهنوز ناکام مانده است و منجر به قیام مردمی "اورومچی" در سال 2009م گردید. شهر سینکیانگ یکی از چهار شهر حایل برای کشور چین محسوب می‌شود. این مناطق، دلیل سر پا بودن امپراتوری هان در چین را تضمین می‌کند. سرزمین مرکزی چین بدو بخش تقسیم شده است: چین شمالی و چین جنوبی، که هرکدام به نوبۀ خود اهالی ماندارین در شمال و اهالی کانتونس در جنوب را دارا می‌باشند.

سرزمین مرکزی چین اساساً توسط دو دریا از هم جدا می‌گردند: دریای زرد در شمال و دریای یانگ‌تسه در جنوب و این سرزمین منطقۀ زراعتی کشور چین است. مردم هان به طور مساویانه در سراسر چین مرکزی ساکن نشده اند. این مردم در شرق مستقر گردیده اند؛ زیرا مناطق چین غربی از اقلیم بارانی کم برخوردار بوده و نمی‌تواند مردم زیاد را در خود نگهداری کند. از همین خاطر، کشور چین با نفوس بسیار زیادش، نسبتاً کم پهنا است. یکی از گروه‌های داخلی منطقۀ هان مسمی بر منگولیا و منچوریا منطقۀ مرکزی تبت ولایت سینکیانگ را احاطه می‌کنند. از لحاظ تاریخی این مناطق حیاتی وقتی‌که چین قدرتمند بود، تحت کنترول چین قرار داشت، اما زمانی‌که اقتدار چین توسط قدرت‌های خارجی و مداخلات زیاد تضعیف گردید، از کنترولش خارج شد. از دید تاریخی این مناطق جایی است که تهدید تاریخی چین از آن سرچشمه می‌گیرد؛ اما صرف نظر از حایل بودن این مناطق، مالکیت این مناطق مرزهای دفاعی برای کشور چین محسوب می‌گردد.

لهذا سینکیانگ یکی از چهار منطقه‌ای است که برای تحکیم قلمرو چین حیاتی می‌باشد. اقتصاد معجزه‌آسای چین مبتنی بر دسترسی به انرژی و محصولات‌‌اش می‌باشد. سینکیانگ منطقۀ مهم است که ماشین نفت اقتصاد چین را می‌چرخاند و از لحاظ استراتیژیک در منطقه راهای اکمالاتی قرار دارد. شهر سینکیانگ بیشتر از 20 درصد ذغال سنگ، گاز طبیعی و منابع نفتی را دارا است. این شهر دارای بیشترین ذخایر فوسیل نفت در سراسر کشور چین نیز می‌باشد. ساحۀ نفت‌خیز در منطقۀ کارامی یکی از بزرگترین منطقه‌ای است که ذخایر بزرگ از ذغال سنگ، نقره، مس، سرب، نایتریت، طلا و زینک در آن موجود می‌باشد. سینکیانگ یکی از بزرگترین مناطق تولیدی گاز طبیعی بوده و یکی از مهم‌ترین راه خط لوله‌ای تجارتی در مناطق آسیای میانه و مناطق دورتر آن محسوب می‌شود. شهر سینکیانگ یکی از خواست‌های چین است تا منابع نفتی آن را متنوع بسازد و هم‌چنان این منطقه راه ترانزیتی کلیدی می‌باشد.

سینکیانگ یگانه منطقه در چین است که نفت کشورهای جمهوری آسیای میانه(نفت آسیای میانه و مقدار زیاد نفت روسیه) باید از طریق پایپ لاین‌های آن عبور نماید. اولین پایپ لاین ترانزیتی برای این هدف توسط شرکت لوله‌سازی نفت به نام "سینو قزاقی" در ماه جولای سال 2006م ساخته شد. این پایپ لاین از منطقۀ آتاسو در مزرهای چین آغاز و به منطقه پیترو چین دوشنزی خاتمه می‌یابد. اما عجیب است که سینکیانگ در ردیف عجایب چین قرار نگرفته است؛ در حالی‌که نیروی حیاتی چین را فراهم می‌کند و به همین سبب منطقۀ مهم استراتیژیک می‌باشد.

رشد اقتصادی چین بر ساخت منطقۀ ویژۀ اقتصادی در مناطق ساحلی چین؛ جایی‌که مواد برای انتقال به کشورهای جهان از طریق ابحار را ممکن می‌سازد، می‌باشد. مشکلی‌که دامنگیر چین می‌گردد، اینست که این کار اقتصادش را وابسته به راه‌های بحری می‌سازد؛ اما چین ارتشی ندارد که بتواند امنیت را در این خط‌های بحری تأمین نماید. چون نیروهای بحری امریکا بر ابحار جهان کنترول داشته و هر جزیرۀ کوچکی‌که من‌حیث مانع، چین را درین ساحه احاطه نموده است، منجر به فلج شدن اقتصاد چین می‌گردد. به همین ملحوظ، سینکیانگ برای چین حایز اهمیت گردیده است و از لحاظ تاریخی اینجا کلید راه زمینی چین بر جهان می‌باشد. چین غربی دسترسی وسیع از طریق پاکستان به بحیرۀ عرب، بحر هند و خلیج فارس پیدا نموده است. چین می‌تواند از طریق سینکیانگ به پاکستان، آسیای میانه، شرق میانه و تمام کشورهای اورآسیا و کشورهای دوردست، منابع حمل و نقل بالای زمین، دست‌رسی پیدا کند و از مسیرهای بحری آسیب‌پذیر در امان بماند. به همین دلیل، پیش‌قدمان مسیر کمربند بزرگ چین، اهداف مختلف دارند تا از طریق سینکیانگ تمام کشور را به اور آسیا و کشورهای دورتر وصل کنند. بدین شکل سینکیانگ محور جغرافیایی برای اتصال اقتصاد چین به کشورهای اورآسیا تبدیل شده است.

تمام پیش‌قدمان مسیر کمربند بزرگ چین وعده سپرده اند که همکاری وسیع برای روابط تجارتی چین و اعتبار جهانی آن در مرکز شهر سینکیانگ انجام خواهند داد. شهر سینکیانگ از دیدگاه استراتیژیک، اقتصادی، تجاری، نفوس و دلایل سیاسی به موضوع حیاتی برای چین مبدل گشته است. اما با وجود مصارف هنگفت پول درین منطقه و استفاده از مشت‌آهنین در گذشته‌ها، نتوانسته اند که بالای مسلمانان این جا غالب شوند؛ در حالی‌که حالا رسانه‌های غربی درک نموده اند که کشور چین در حال انجام چیست. این رسانه‌ها نیز از تخنیک‌های بیجینگ در مسیر هدف غرب، که دارای استراتیژی واحد در رفتار با مسلمانان، برای مدت طولانی استفاده کرده تا مسلمانان را تجزیه نمایند. این روش‌ها در غرب ناکام مانده است و یقیناً که در کشور چین نیز ناکام خواهد ماند. موضوع قابل ترس برای رهبران چین مسایل اقتصادی و سیاسی آینده‌اش است که از منطقۀ مسلمان‌نشین جریان پیدا خواهد نمود. به همین ملحوظ، بیجینگ برای بیش از یک قرن برای تسخیر این منطقه مبارزه نموده است.

**نویسنده: عدنان خان**

**12 جمادی‌الثانی1440هـ.ق**

**17 فبروری 2019م**